

یاوه‌گویی، ترامپ را نجات نخواهد داد



صادق

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۵۰ | دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵ | ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | ۲۴ آگوست ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی



رضا صامی

هیاوبرای هیچ!



۲
نگاه

مصطفی قربانی

اعتراف غیر مستقیم!



نوید کمالی

از نرمادی تا تهران



۶
راهبرد



رئیس سازمان بسیج مستضعفین کشور

نقشه آمریکا امنیتی‌سازی مسائل اجتماعی است



ورود به تاریکخانه پهلوی با سلاح سند



دین

همچون پیامبر رحمت (ص)

رضا صارمی راد

کارشناس مسائل بین‌الملل



حدود شش ماه پس از آغاز تهاجم غیر قانونی و البته بی‌فرجام آمریکا علیه ایران و در حالی که به گفته گزارش‌ها ذخایر مهمات آمریکا به پایین‌ترین سطح خود در چندین سال اخیر رسیده است و ذخیره استراتژیک نفتی آمریکا نیز رو به کاهش است، «دونالد ترامپ»، راهبرد خود در قبال ایران را بر جبهه‌ای تازه، یعنی «اقتصاد» متمرکز کرده است. او در ۲۸ مرداد، در پیامی در پلتفرم «تروث سوشیال»، از آنچه آن را «دی‌دی اقتصادی» نامید، خبر داد؛ نامی برگرفته از روزی، که نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم با فتح ساحل نرماندی وارد خاک اروپا شدند. ترامپ وعده داد این اقدام بزرگ‌ترین عملیات اقتصادی تاریخ علیه یک کشور خواهد بود و هشدار داد هر کشوری که بانک‌ها، شرکت‌ها، فرودگاه‌ها یا نهادهای دولتی‌اش کمک مالی به تهران داشته باشند، با پیامدهای سنگین روبرو خواهد شد. «اسکات بسنت» وزیر خزانه‌داری، که چند روز پیش به این اقدام اشاره کرده بود، آن را کارزاری دوجانبه توصیف کرد؛ تحریم‌های تازه و گسترده، در کنار محاصره دریایی ادامه‌دار نیروی دریایی آمریکا بر بنادر ایران. تا روز یک‌شنبه نیز بسنت همچنان وعده می‌داد که روز حساب‌رسی در راه است، هرچند جزئیات این طرح همچنان نامشخص مانده است؛ اما می‌توان حدس زد که کمپین جدید مانند تمامی طرح‌های قبلی بیشتر یک بازی رسانه‌ای است.

قیمت‌بنزین در آمریکا از زمان آغاز درگیری‌ها در اواخر فوریه حدود یک‌چهارم افزایش یافته و میانگین قیمت در سطح کشور از مرز ۴ دلار برای هر گالن گذشته است؛ آن هم در فصلی از سال که معمولاً قیمت‌ها کاهش می‌یابد. به گزارش «سی‌ان‌ان» و «الجزیره»، محبوبیت ترامپ در نظرسنجی‌ها به یکی از

هیاهو برای هیج!



پایین‌ترین سطوح در تاریخ معاصر رسیده است.

با نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر که کنترل جمهوری‌خواهان بر کنگره را تهدید می‌کند، دولت ترامپ کارزار

فشار اقتصادی را ابزاری معرفی می‌کند که سرانجام بدون نیاز به از سرگیری حملات نظامی گسترده، تهران را وادار به تسلیم خواهد کرد. اما در سوی دیگر بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل و بسیاری از

دموکرات‌ها این طرح را صرفاً ری برند یک برنامه شکست خورده می‌دانند که بیشتر هم ترامپ آن را اجرا کرده است؛ یعنی دی‌دی اقتصادی یک کمپین رسانه‌ای است، نه یک راه حل واقعی برای پایان دادن به جنگ. نشانه شکست زود هنگام طرح ترامپ را می‌توان در واکنش‌ها دید. باید دانست که ستون اصلی طرح جدید درواقع ایجاد اجماع جهانی برای تحریم ایران است؛ اما چین به‌روشنی این کارزار فشار را رد کرده است، و دریادار بازنشسته «جیمز استاوریدیس»، تحلیلگر نظامی، پیش‌بینی کرده است که پکن نخستین قدرت بزرگی خواهد بود که از پیوستن به آنچه بسنت آن را محاصره جهانی می‌نامد، سر باز می‌زند؛ چراکه چین حدود نیمی از واردات انرژی خود را از خلیج فارس تأمین می‌کند. بسنت اشاره کرده است، تحریم‌های ثانویه ممکن است در نهایت خریداران چینی را نیز هدف قرار دهد، هرچند تاکنون از نام‌بردن مستقیم پکن پرهیز کرده است.

از سوی دیگر، استادان بزرگ روابط بین‌الملل، مانند «جان مرشایمر»، استادعلوم سیاسی دانشگاه شیکاگو و یکی از چهره‌های شاخص مکتب واقع‌گرایی، نیز اقدام ترامپ را عملایی حاصل می‌خوانند. گفتنی است، مرشایمر چهره‌ای حزبی نیست، او در گذشته به همان اندازه از دولت‌های دموکرات نیز انتقاد کرده است. استدلال او از هفته‌های نخست جنگ ثابت مانده، اینکه واشنگتن بدون هیچ مسیر واقع‌بینانه‌ای به سوی پیروزی، وارد این درگیری شده، و اینکه کنترل ایران بر تنگه هرمز، به تهران برگ برنده‌ای می‌دهد که هیچ یک از لفاظی‌های ترامپ نمی‌تواند آن را خنثی کند. مرشایمر پیش‌بینی کرده بود که اقدام ترامپ در راستای محاصره نتیجه معکوس خواهد داشت و جلوگیری از صادرات نفت ایران در واقع اوضاع انرژی در جهان را بدتر می‌کند. درحالی که نخستین محاصره پیشاپیش در

❖ قیمت بنزین در آمریکا از زمان آغاز درگیری‌ها در اواخر فوریه حدود یک‌چهارم افزایش یافته و میانگین قیمت در سطح کشور از مرز ۴ دلار برای هر گالن گذشته است؛ آن هم در فصلی از سال که معمولاً قیمت‌ها کاهش می‌یابد. به گزارش «سی‌ان‌ان» و «الجزیره»، محبوبیت ترامپ در نظرسنجی‌ها به یکی از پایین‌ترین سطوح در تاریخ معاصر رسیده است

❖ نشانه شکست زود هنگام طرح ترامپ را می‌توان در واکنش‌ها دید. باید دانست که ستون اصلی طرح جدید درواقع ایجاد اجماع جهانی برای تحریم ایران است؛ اما چین به‌روشنی این کارزار فشار را رد کرده است، و دریادار بازنشسته «جیمز استاوریدیس»، تحلیلگر نظامی، پیش‌بینی کرده است که پکن نخستین قدرت بزرگی خواهد بود که از پیوستن به آنچه بسنت آن را محاصره جهانی می‌نامد، سر باز می‌زند؛ چراکه چین حدود نیمی از واردات انرژی خود را از خلیج فارس تأمین می‌کند

❖ در چنین وضعیتی، کمتر کسی از این مسئله صحبت می‌کند که آیا اقتصاد ایران زیر فشار است یا نه؟ مسئله این است که تحریم غیرقانونی آمریکا علیه ایران طی دهه‌ها موجب شده است که ایران نوعی از تاب‌آوری اقتصادی به دست آورد که در زیر بیشترین فشار تحریم‌ها نیز دچار فروپاشی نشود

اعتراف غیر مستقیم!

تغییر می‌دهد.

در توضیح باید گفت، تمرکز آمریکا بر اعمال حداکثری و سخت‌گیرانه فشارهای اقتصادی، در حالی است که کارزار حمله و آرایش نظامی این کشور توانست به تسلیم ایران منجر شود. درواقع، مقاومت موفق ایران سبب شده که آمریکا با ناتوانی در اعمال اراده بر ایران از ناحیه حمله نظامی، بر دور جدیدی از فشارهای اقتصادی علیه ایران متمرکز شود؛ واقعیتی که نشان می‌دهد ایران موفق شده استفاده آمریکا از ابزار نظامی (حمله) را بی‌اثر کند. همین واقعیت‌گویای آن است که آمریکا برخلاف داعیه‌های هژمونیک و ابرقدرتی‌اش دیگر در موقعیتی نیست که با هیمنه نظامی یا حمله نظامی خود، طرف مقابل را به تسلیم وادار کند و خود این امر یک اعتراف غیر مستقیم به شکست کارزار نظامی علیه تهران است. بنابراین، تا اینجا آمریکا متحمل شکست بزرگی در برابر ایران شده

که قطعاً ابعاد و دامنه‌های آن و تأثیراتش بسی فراتر از ناتوانی آمریکا در پرونده‌ای، مانند کره شمالی است؛ زیرا در پرونده‌ای مانند کره شمالی و پرونده‌های مشابه، آمریکا به‌هیچ‌وجه تا این حد به‌صورت مستقیم ورود نداشته است یا اینکه در پرونده‌های دیگری، مانند ونزلا، صرف هیمنه آمریکا موجب تسلیم طرف مقابل شد. حال اینکه وقتی کارزار نظامی آمریکا در برابر ایران به بن‌بست می‌رسد، معنایی جز بی‌اعتباری هیمنه آمریکا و ناتوانی ابزار نظامی از آن مستفاد نمی‌شود.

معنای دیگری که از این رخداد بزرگ مستفاد می‌شود، همانا توانایی ایران در بروز و ظهور در مقام یک ابرقدرت است؛ ادعایی که شاید گزافه بنماید، اما باید پذیرفت کشوری که با اتکا به توانایی‌های بومی خود اینگونه توانسته است ابرقدرت نظامی جهان را شکست دهد، خود در مقام یک ابرقدرت قابل تعریف است. بر این اساس، جنگ

کنونی هم برای ایران و هم برای آمریکا، ماهیت «نظم‌ساز» دارد؛ برای آمریکا از این جهت که با شکست موجود، افول هژمونی‌اش سرعت بیشتری می‌گیرد و برای ایران نیز از این نظر که به گردونه ابرقدرت‌ها وارد می‌شود. در همین زمینه، تمام تلاش آمریکا آن است که مانع از تکمیل این روندی شود که با جنگ رمضان شروع شده است؛ به این ترتیب که ایرانی که در حوزه دفاعی در قامت یک ابرقدرت ظاهر شده است، در حوزه اقتصادی با کاستی‌ها و نواقصی مواجه است که با اعمال فشار از ناحیه همین کاستی‌ها و نواقص درصدد است مانع از فعلیت یافتن کامل قدرت ایران شود.

با توجه به آنچه گفته شد، معنای دیگری که از تمرکز آمریکا بر فشارهای اقتصادی علیه ایران حاصل می‌شود، این است که ایران برای تکامل مسیر ابرقدرتی‌اش باید ساخت اقتصادش را مستحکم کند، به‌گونه‌ای که

جریان مذاکرات آتش‌بس کنار گذاشته شده بود، او نتیجه گرفت که آمریکا هیچ یک از اهداف اولیه خود را محقق نکرده و ساختار امنیتی‌ای را که آمریکا سال‌ها با کشورهای عربی خلیج فارس ساخته بود، ویران کرده است. حرف مرشایمر ساده است. اگر محاصره اولیه نتوانست اراده ایران را درهم بشکند، محاصره جدید چگونه قرار است این کار را بکند؟

اعتراض به بی‌برنامگی ترامپ در کنگره نیز ادامه یافته است. از زمان از سرگیری جنگ پس از فروپاشی آتش‌بس، دموکرات‌ها با انسجامی کم‌سابقه در راستای محدود کردن ترامپ به اقدامات زیادی دست زده‌اند؛ از مسدودکردن لایحه سالانه سیاست دفاعی به دلیل نبود محدودیت‌های قانونی بر جنگ گرفته تا رأی به توقف بودجه اضافی جنگ، و طرح مکرر قطعنامه‌های اختیارات جنگی که البته دولت تا حد زیادی آنها را نادیده گرفته است. به تازگی نیز نمایندگان چون «نیکی بودزینسکی»، افزایش رکوردهای فصلی قیمت بنزین را مستقیماً به فشار بر بودجه خانوارها پیوند داده‌اند؛ بخشی از راهبرد گسترده‌تر دموکرات‌ها برای آنکه به رأی‌دهندگان انتخابات میان دوره‌ای نشان بدهند چگونه بی‌برنامگی ترامپ در ورود به جنگ موجب گران شدن زندگی‌شان شده است.

در چنین وضعیتی، کمتر کسی از این مسئله صحبت می‌کند که آیا اقتصاد ایران زیر فشار است یا نه؟ مسئله این است که تحریم غیرقانونی آمریکا علیه ایران طی دهه‌ها موجب شده است که ایران نوعی از تاب‌آوری اقتصادی به دست آورد که در زیر بیشترین فشار تحریم‌ها نیز دچار فروپاشی نشود. حال که رسانه‌ها و کارشناسان منتظر جزئیات بسته‌های جدید تحریمی هستند، بخش دیگری از کارشناسان نیز معتقدند میزان اثرگذاری طرح جدید را می‌توان از واکنش ایران ارزیابی کرد، چنانکه مقامات ایرانی نیز هشدارهایی مبنی بر شکستن محاصره داده‌اند. بنابراین، باید دید که پس از شکست قریب‌الوقوع طرح جدید ترامپ، آیا آمریکا این بار با دستی خالی‌تر از قبل مسیر دیپلماسی را پیگیری می‌کند یا آنکه دور جدید از تنش‌های گرم به منطقه خلیج فارس بازمی‌گردد؟

دشمن آمریکایی را به این نتیجه برساند که همانگونه که در حوزه نظامی با جنگ و حمله نتوانست ایران را از پای درآورد، در حوزه اقتصاد نیز با اعمال فشار و تحریم نمی‌تواند ایران را تسلیم توطئه‌های شوم خود کند. برای این منظور نیز همانگونه که در حوزه دفاعی عمل شده است، باید عمل شود. در حوزه دفاعی اولاً با قطع امید از خارج، مسیر دستیابی به قدرت طی شده، ثانیاً با اعتماد به جوانان این امر میسر شده، ثالثاً حوزه دفاعی در ایران، دانش‌بنیان شده است؛ یعنی پیشرفته‌ترین فناوری‌های روز دنیا در ساخت تسلیحات ایران به کار گرفته شده است، رابعاً تکامل روند قدرت در این حوزه با اتکا به حمایت، نقش‌آفرینی و حضور مردمی بوده است مانند آنچه در طول جنگ رمضان و در قالب اتحاد میدان و خیابان رخ داد. بنابراین، در حوزه اقتصادی نیز برای گرفتن ابزار فشار از دست دشمن باید به این اصول قدرت‌آفرین توجه شود.

مصطفی قربانی

دکترای علوم سیاسی



در روزهای اخیر، آمریکا از اعمال سخت‌ترین و خردکننده‌ترین فشارهای اقتصادی علیه ایران خبر داد؛ اتفاقی که نشان می‌دهد آمریکا پس از یک دوره چند ماهه از تشدید کارزار نظامی علیه ایران، ضمن حفظ آرایش نظامی، مجدد بر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی علیه ایران تمرکز خواهد کرد. در همین زمینه، «جی‌دی ونس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا درباره دور جدید فشارهای اقتصادی آمریکا علیه ایران گفته است، اکنون وارد مرحله جدیدی شده‌ایم که در آن مؤثرترین ابزار ما («فشار اقتصادی») است. ونس همچنین مدعی شده است، فشارهای اقتصادی بر ایران، محاسبات آنها را درباره نوع توافق

خط سوم در مبارزه

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی- ۱۹

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

پس از سرکوب قیام ملت در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و دستگیری حضرت امام(ره) و بسیاری از مبارزان و فعالان سیاسی، فضای خفقانی بر این سرزمین حاکم شد که به تعطیلی گسترده فعالیت سیاسی انجامید! در انسداد سیاسی ایجاد شده، عملاً چند راه پیش روی فعالان سیاسی وجود داشت که هر یک از آنان سمت و سویی را به ادامه حیات سیاسی خود برگزیدند.

دسته اول کسانی بودند که با توجه به سرکوب رژیم و افزایش هزینه فعالیت سیاسی در کشور، به تدریج از مبارزه دست کشیده و دچار انفعال و روزمرگی شدند یا حداقل به فعالیت‌های صرف فرهنگی روی آوردند که نسبتی با مبارزه علیه ظلم قدرت و حاکمیت نداشت و از هرگونه رنگ و بوی انقلابی عاری بود. این افراد بر حوزه‌هایی چون تدریس معارف دینی، راه‌اندازی مدارس اسلامی و مؤسسه‌های خیریه و... تمرکز کردن، بدون آنکه در این فعالیت‌ها جهت‌گیری‌های انقلابی و مبارزاتی نمایان باشد.

دسته دوم کسانی بودند که اتخاذ مشی مبارزه مسلحانه را تنها راه مقابله با رژیم خودکامه تعریف می‌کردند و معتقد بودند مبارزات فرهنگی- سیاسی و... اثربخش نبوده و تنها راه مبارزه، الگوگیری از مبارزات مسلحانه در جهان سوم است که اغلب با ایدئولوژی‌های مارکسیستی دنبال می‌شود.

دسته سوم کسانی بودند که در تنگنای سیاسی و خفقان ایجادشده، امکان‌فعالیت‌سیاسی مستقیم را ممکن نمی‌دانستند؛ اما این انسداد موجب نشد که به‌طور کلی از فعالیت دست بردارند. بنابراین، مبارزات سیاسی را با فعالیت‌های فرهنگی آمیختند و در مسیر «روشنگری عمومی» و «مبارزات سیاسی مخفی» حرکت کردند. آنان معتقد بودند هنوز جامعه به آن سطح از آگاهی نرسیده که برای یک خیزش سراسری آماده شده باشد، لذا ابتدا باید بسترهای ذهنی

جامعه را برای مبارزه‌ای گسترده فراهم کرد، و برای این مهم بر آگاهی‌بخشی فرهنگی تمرکز کرد تا با ارتقای فرهنگی- اعتقادی جامعه، در بنگاه لازم‌زمینه مبارزات گسترده سیاسی فراهم آید. این جریان معتقد بود برای ایجاد تحول سیاسی گسترده در کشور، نیازمند یک بیداری عمومی و روشنگری فراگیر جامعه هستیم که این جز با تربیت فکری- اعتقادی ممکن نخواهد بود. این جریان تلاش کرد با تربیت نیرو و هدف قرار دادن افکار عمومی و اقشار گوناگون جامعه در مسیر تحولات و مبارزات سیاسی قدم بردارد. آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای جزء آن دسته از مبارزانی بودند که مشی مبارزات فرهنگی- سیاسی را بهترین راهبرد اتخاذی برای ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی می‌دانستند و رسالت خود را بر حرکت در این مسیر استوار کردند. این رویکرد که اغلب شاگردان حضرت امام(ره) آن را دنبال می‌کردند، مرزهای قابل ملاحظه‌ای با رویکرد عافیت‌طلبانه اول و رویکرد رادیکال سوم داشت و آن را الگویی مشروع و موفق برای مبارزه نمی‌دانست. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند:

«روزی بود که رهبر عزیز ما تنهای تنها بود؛ دو گروه مبارز در این مملکت بودند، هر دو ترز رهبر ما را رد می‌کردند، قبول نداشتند. یک عده سیاسیون راحت طلب پشت میز نشین بر روی بستر راحت استراحت کن؛ آنهایی که عادت کرده بودند بنشینند، بخورند، بورس بگیرند، آقایی کنند با تبختر و تکبر یک کلمه حرفی بزنند، وجیه المله بشوند، یک وقتی هم در یک جریان سیاسی یک کلمه‌ای بگویند، اما در دسری قبول نکنند. اینها با شیوه رهبر ما مخالف بودند، می‌گفتند آقایی خود این همه به پر و پای شاه می‌پیچند، شاه که رفتی نیست از این مملکت. اقلا اگر شاه را رد می‌کنند نیابت سلطنت را قبول کنند. امام قرص ایستاد، گفت هر کسی که شعار ما را قبول نمی‌کند به ملاقات ما نیاید! اذن دخول امام در پاریس برای رجال سیاستمدار پر مدعا این بود که باید اول سلطنت و پادشاهی را در ایران رد بکنند، محکوم بکنند، بعد بتوانند بار ببابند و به خدمت امام بروند؛ حتی حاضر نبود با اینها صحبت بکنند، مذاکره بکنند، قرص ایستاد؛ این یک گروه.

گروه دیگر گروهی بودند که با ادعای تندروی و



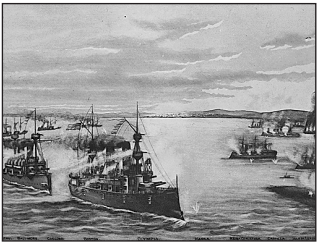
چپ‌روی و فداکاری در میدان مبارزه حاضر می‌شدند، طرفدار جنگ مسلحانه، تنها راه‌هایی جنگ مسلحانه است. می‌گفتند آقایی خود اصرار می‌کند، با اینجورها این مبارزه به پیروزی نخواهد رسید، بی‌خود معطل نشوید؛ باید جنگ مسلحانه، باید تفنگ به دست بگیریم. باید مردم بسیج عمومی بشوند. هر کسی را که فکر می‌کردند ارتباطی با امام دارد دورش را می‌گرفتند فریاد می‌کشیدند که ما را مسلح کنید. البته این توده مردم بودند غالباً که می‌گفتند ما را مسلح کنید، اما تر مال گروه‌هایی بود که شعار جنگ مسلحانه را شعار خودشان قرار داده بودند. می‌گفتند فایده‌ای ندارد، تا سلاح دست نگیرید، تا مردم را مسلح نکنید، شاه از این مملکت رفتنی نیست.

امام هیجان‌زده نشد، دستپاچه نشد، خط مشی خودش را گم نکرد، راه خودش را ادامه داد؛ گفت با مبارزه سیاسی آنچنان ضیق خنقی برای این رژیم درست می‌کنیم که با خودکشی کند یا مجبور به فرار بشود، و دیدیم که شد.»

❖ حافظه ❖

ویرانه مانیل

نگاهی به حضور استعمارگران در شرق آسیا



بودند.

در اوایل قرن نوزدهم، بیش از دویست سال از حکومت اسپانیا در فیلیپین می‌گذشت و گروه زیادی از مردم این کشور که زیر نفوذ و آموزش فرهنگ مذهبی اسپانیا بودند، برای اشغال پست‌های دولتی و مذهبی شرایط لازم را داشتند؛ اما با همه اینها، اسپانیایی‌ها حاضر نبودند که آنها را بین خود بپذیرند. اسپانیا افزون بر تأثیر فرهنگی و مذهبی در فیلیپین، اقتصاد فنودالی را نیز پایه‌ریزی کرد که پس از گذشت چند قرن به طبقه‌بندی اجتماعی و جامعه فنودالی منجر شد؛ هنوز هم این وضعیت به صورت جدیدتر در فیلیپین وجود دارد و بعضی از خاندان‌های بزرگ همچنان قدرت سابق خود را دارند. فیلیپین در جنگ بین آمریکا و اسپانیا مستعمره آمریکا شد و سپس در جنگ جهانی دوم به تصرف ژاپن درآمد و در سال ۱۹۴۶، در حالی که مانیل ویرانه‌ای بیش نبود، حکومت جمهوری در این کشور به وجود آمد.

۳

تاریخ

شماره ۱۲۵۰ | دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵

صداق

❖ تقویم انقلاب ❖

سیاست‌های بدون پشتوانه مردمی

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران- ۱۷

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



پس از ترور «حسنعلی منصور» در بهمن ۱۳۴۳، وزیر دارایی او به نام «امیر عباس هویدا» در پست نخست‌وزیری قرار داده شد. ماهیت فرهنگی او بر همگان آشکار بود که شایع‌ترین آن ترویج فرقه دست‌ساخته غرب موسوم به «بهانیت» بود. این جریان تا سال ۱۳۵۶، یعنی به مدت ۱۳ سال ادامه داشت؛ دوره‌ای که در آن نخست‌وزیر بیش از هر چیز دنبال حفظ شش‌نونات خانوادگی شاه بود تا در برابر آمریکا «بدنام» نشود. در این راستا اقدامات زیر در دستور کار قرار گرفت، از جمله:

۱- اجرای پروژه‌های عظیم نظامی با پشتوانه دلارهای نفتی؛ در دهه ۱۳۵۰ و در ادامه دکت‌رین «نیکسون» رئیس‌جمهور آمریکا، شاه برای تحکیم پایه‌های سلطنت خود پروژه‌های نظامی گسترده‌ای را اجرا کرد تا از این ارتش مسلح و مجهز گوش به فرمان آمریکا به همراه شبکه‌های ضد جاسوسی، برای کنترل اوضاع اجتماعی داخلی استفاده کند. به این دلیل رژیم شاه باید پشتوانه محکم و امکاناتی را فراهم می‌کرد تا سیل سرمایه‌داران آمریکایی، سیاست‌مداران، جاسوس‌ها و مستشاران نظامی به سوی ایران سرازیر شود....

۲- خروج انگلستان از خلیج فارس؛ در سال ۱۹۷۱م با تأیید آمریکا، انگلستان از خلیج فارس عقب‌نشینی کرد و ایران موظف شد به منزله قدرت منطقه عمل کند. این تحول هم‌زمان با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و هزینه‌های سنگین در حالی بود که مردم ایران در وضعیت بد اقتصادی قرار داشتند.

۳- ماهیت نظام‌های مبتنی بر سلطه نظامی: نظام‌هایی که بر پایه قدرت نظامی بنا شده‌اند، قدرت را در چهار دیواری بسته خود نگه می‌دارند و هیچ گونه اتکایی به مردم ندارند؛ به همین دلیل تمام فعالیت‌های رژیم شاه در بستر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیگیری می‌شد که جوابگوی نیاز اصلی مردم نبود و در نهایت به سقوط انجامید.

۴- امتیازدهی گسترده: رژیم شاه ایران از همه جهت به آمریکایی‌ها امتیاز داد و آمریکایی‌ها هر امتیازی را که می‌خواستند از ایران گرفتند و هر بازی سیاسی را مثل تأسیس احزاب سیاسی به کار گرفتند؛ اما دو حزب شکست خورده «ایران نوین» و حزب به خواب رفته‌ای به نام «مردم» هم راه به جایی نبردند تا اینکه شاه در نطقی با نهایت غرور تصمیم خود را مبنی بر ایجاد سیستم تک حزبی اعلام کرد و گفت: «کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و معتقد و مؤمن به سه اصل- قانون اساسی، نظام شاهنشاهی و انقلاب سفید شاه و ملت- نباشد در راه برایش وجود دارد؛ یا جایش زندان ایران است، یا اگر بخواهد گذرنامه را در دستش می‌گذاریم و به هر جایی که دلش می‌خواهد برود.»

قبلیه عشق

حق الناس، خط قرمز



در زندگی خواهرم، قرانت قرآن جایگاه ویژه‌ای داشت و ایشان هر شب سوره یاسین را می‌خواند. در زمینه رعایت حق الناس و بیت‌المال نیز بسیار حساس بود. دوستانش می‌گفتند اگر جایی می‌رفتیم که امکان داشت از بیت‌المال به ما غذا بدهند وقتی به او تعارف می‌کردند، گاهی نمی‌پذیرفت و می‌گفت: «نمی‌دانم این از بیت‌المال است یا نه و آیا خوردنش درست است یا نه.»

بیشتر دوستانش وقتی از او یاد می‌کنند، از لبخند همیشگی و روحیه شاد و بذل‌گوش می‌گویند.

ارادت خاصی به شهدا داشت و خدمت به یاد و راه شهدا را افتخار بزرگی می‌دانست. خبر شهادت هر شهیدی عمیقاً او را ناراحت می‌کرد. گاهی به مادرم می‌گفت: «فلائی که یکی از برادران در حوزه یا پایگاه مقاومت بود، شهید شده است. کاش ما خانم‌ها هم می‌توانستیم به جای برادران مان جهاد کنیم.» مادرم در پاسخ به او می‌گفت که شمارسالت دیگری دارید و باید در پشت جبهه کمک کرده و نقش خودتان را ایفا کنید

او همیشه یک دعا را زیاد تکرار می‌کرد و بارها از من هم می‌خواست که دعا کنم تا عاقبت به‌خیر بشویم. در دلش آرزوی شهادت داشت، اما در عین حال به سخن حضرت آقا هم اشاره می‌کرد و می‌گفت: «ان‌شاءالله اگر عمرمان هم طولانی شد، حتی بعد از ۱۲۰ سال پایان ما با شهادت باشد.»

این را هم بگویم که خواهرم به شدت نگران سلامتی و امنیت حضرت آقا بود. برای‌شان زیاد دعا می‌کرد و برای سلامتی ایشان دائماً آیت‌الکرسی و سوره فتح می‌خواند. روزی که خبر شهادت حضرت آقا منتشر شد، حال و هوای خانه ما دیگر مثل قبل نشد.

یکی از خصوصیات ویژه او جهاد تبیین بود به گونه‌ای که معتقد بود پس از جنگ ۱۲ روزه ما عملاً در شرایط جنگی قرار داریم و بارها به اطرافیان‌ش تذکر می‌داد که هرکس باید جایگاه خود را در این شرایط بشناسد. تأکید می‌کرد که در سمت درست تاریخ بایستید و مراقب باشید وارد بازی دشمن نشوید.

به نقل از خواهر شهید ملیحه قرهی

شهیده ملیحه قرهی متولد ۲۳ تیر ۱۳۶۸ بود. در رشته شیمی محض تحصیل کرد و سال‌ها در مسیر آموزش، فرهنگ و دین فعالیت کرد. معلم خلاقیت در مدرسه غیردولتی شهید مطهری و معلم قرآن در مسجد بود و به عنوان استادیار دروس نبوت و امامت تدریس می‌کرد. شهیده ملیحه قرهی در جنگ تحمیلی رمضان در حوزه ۱۰۴ رضوان به شهادت رسید.

نماینده ولی فقیه در سپاه

یاوه‌گویی، ترامپ را نجات نخواهد داد



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه

نشان داده است یاوه‌گویی‌های آمریکایی‌ها راه به جایی نمی‌برد و جمهوری اسلامی ایران در میدان عمل پاسخ آنان را داده است.»

نماینده ولی فقیه در سپاه طی گفت‌وگویی، در واکنش به اظهارات اخیر دونالد ترامپ و

«حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی» گفت: «تجربه گذشته

هرگونه شرارت جدید از سوی آمریکا، اظهار داشت: «به لطف الهی، عملکرد گذشته ما پاسخ آینده را می‌دهد. آمریکایی‌ها در گذشته نیز یاوه‌گویی داشتند و پاسخ آن را در میدان عمل دیدند. در آینده نیز یاوه‌گویی‌ها هرگز آنان را نجات نخواهد داد.»

وی در ادامه درباره سطح توانمندی و آمادگی

رئیس سازمان بسیج مستضعفین کشور

نقشه آمریکا، امنیتی‌سازی مسائل اجتماعی است

در آمریکا انجام شده، ۷۱ درصد مردم این کشور معتقدند ترامپ در ورود به جنگ با ایران اشتباه کرده است.»

نقشه ادامه جنگ

وی ادامه داد: «امروز همه تلاش آمریکایی‌ها این است که جنگ را به حاشیه ببرند، نارضایتی اجتماعی ایجاد کنند، مسائل اجتماعی را به مسائل امنیتی پیوند بزنند و در داخل کشور مشغول‌سازی ایجاد کنند.» حجت‌الاسلام طائب گفت: «دشمن تلاش می‌کند در منطقه نیز مشغول‌سازی ایجاد کند، میان ایران و همسایگان اختلاف بیندازد و با ایجاد پیوندهای منطقه‌ای، کشورهای منطقه و جهان را در مقابل ایران قرار دهد تا به جای حضور مستقیم آمریکا در جنگ، ائتلاف‌ها و پیوندهای منطقه‌ای را علیه جمهوری اسلامی فعال کند.»

تغییر نقشه جهانی قدرت

وی درباره اروپا نیز گفت: «کشورهای اروپایی در ظاهر هنوز به دلیل ترس با آمریکا همراهی می‌کنند، اما در واقع شرایط متفاوت است. اروپایی‌ها متوجه شده‌اند که از سوی آمریکا تحقیر شده‌اند و در سند امنیت ملی ترامپ نیز به‌وضوح دیده می‌شود که جایگاه اروپا تا چه اندازه تضعیف شده است.»

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب ادامه داد: «امروز نقشه جهانی قدرت در حال تغییر است و این‌گونه نیست که آمریکا محور عالم و رژیم صهیونی محور منطقه باشد؛ هر دو در یکی از ضعیف‌ترین شرایط خود قرار گرفته‌اند.»



حفظ یکپارچگی و ایستادگی در برابر استکبار کنار بگذارند و تحمل کنند تا وحدت ملی و مقاومت در برابر دشمن دچار خدشه نشود.»

آمریکایی‌ها علیه ترامپ

حجت‌الاسلام طائب در ادامه به وضعیت آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره کرد و گفت: «اگر این حرکت را با قدرت دنبال کنیم، باید بدانیم که روند دشمن نیز نزولی است.» وی با بیان اینکه امروز رئیس‌جمهور آمریکا به لفاظی روی آورده است، تصریح کرد: «این لفاظی‌ها بر اساس ابتکار عمل نیست، بلکه از سر استیصال است. دشمن ابتکار عمل خود را از دست داده و تلاش می‌کند با روش‌های دیگری شرایط را تغییر دهد.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین افزود: «بر اساس نظر سنجی‌هایی که

سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

تولید تجهیزات دفاعی‌مان دو برابر شده است

گفت: «برای پیشگیری از آسیب‌پذیری‌ها و غافلگیر کردن دشمن، ایجاد می‌کند اطلاعات مربوط به نیروهای مسلح، صنعت دفاعی و چرخه پشتیبانی دفاعی تا نهایت امکان صیانت و حفظ شود.»

سردار طلایی‌نیک اظهار کرد: «یکی از علمی که سال گذشته و امسال در روز صنعت دفاعی نمایشگاه نظامی برگزار نمی‌کنیم و بخش زیادی از رونمایی‌ها را نیز متوقف کرده‌ایم، همین مسئله است.» وی افزود: «سال گذشته نیز در یک بیان رسانه‌ای اعلام کردم که برای غافلگیر کردن دشمن و صیانت از اطلاعات و اسرار دفاعی کشور، رونمایی از تسلیحات و تجهیزات را محدود کرده‌ایم.»

برای ارتقای فناوری و غافلگیر کردن دشمن در حوزه تحقیق و پژوهش در حال انجام است. ۷۶ درصد این طرح‌ها طی همین یک سال گذشته به مرحله خاتمه‌یافتگی و تولید محصول رسیده‌اند.»

سخنگوی وزارت دفاع درباره برنامه آینده صنعت دفاعی گفت: «سال گذشته اعلام کردیم که در مجموع میزان تولید ما دو برابر افزایش پیدا کرده است و اکنون برنامه ما افزایش سه برابری تولید تجهیزات و تسلیحات است. البته در برخی موارد، افزایش چهار تا پنج برابری تولید نیز پیش‌بینی شده است.» سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با تأکید بر ضرورت صیانت از اطلاعات و اسرار نظامی

داشته باشیم؛ میزان تولید ما در یک سال گذشته، یعنی از تیرماه سال گذشته تا تیرماه امسال، پس از جنگ ۱۲ روزه، دو برابر میزان تولید تسلیحات و تجهیزات دفاعی در کشور افزایش پیدا کرده است.» سخنگوی وزارت دفاع ادامه داد: «در همین یک سال گذشته، تعداد شرکت‌هایی که از بخش خصوصی و دانش‌پنیاها وارد شبکه صنعت دفاعی شده‌اند، حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است.» وی سپس گفت: «در سال گذشته حدود ۸ هزار شرکت با صنعت دفاعی همکاری داشتند، اما اکنون این تعداد به حدود ۹۳۰۰ تا ۹۴۰۰ شرکت رسیده است.» سردار طلایی‌نیک افزود: «صداها طرح پژوهشی

«سردار طلایی‌نیک» با اشاره به اینکه در زیست‌بوم صنعت دفاعی کشور همه مردم ایران دخیل هستند، ابراز داشت: «این زیست‌بوم به وزارت دفاع یا نیروهای مسلح منحصر نیست، بلکه همه ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و دانشگاهی، جوانان مستعد، شرکت‌های دانش‌پنیا و شبکه خصوصی امروز در صنعت دفاعی نقش ایفا می‌کنند.»

سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در گفت و گویی با ارائه آماری از روند تولید صنعت دفاعی گفت: «اگر فرصت باشد، می‌توانیم مقایسه‌ای

خبر

مسیر سرخ

شهادت «سرگرد پاسدار ابوالفضل حیدری»، از فرماندهان پایگاه موشکی هوافضای سپاه در شاهرود، در حمله‌ای تروریستی در زابل، بار دیگر چهره واقعی جنگ نیابتی رژیم غاصب صهیونیستی را آشکار کرد. این جنایت شامگاه ۱۹ مردادماه، مقابل منزل پدری شهید و در برابر چشمان همسر و فرزندان‌ش رخ داد؛ جنایتی که نمی‌توان آن را تنها یک حادثه امنیتی تلقی کرد. تحلیلگران معتقدند وقتی دشمن از نیروهای نیابتی برای ضربه‌زدن به نیروهای ایرانی استفاده می‌کند، پاسخ باید به‌گونه‌ای باشد که محاسبات طراحان این اقدامات را تغییر دهد. بی‌پاسخ گذاشتن چنین جنایت‌هایی، تنها هزینه تکرار آن را برای دشمن کاهش می‌دهد و زمینه را برای تداوم اقدامات تروریستی فراهم می‌کند.

به یاد ۱۱ شهید

دست‌نوشته فرمانده نیروی هوافضای سپاه به خانواده «اسدزاده بخشایش» که ۱۱ نفر از اعضای آن در جنگ تحمیلی رمضان به شهادت رسیده‌اند، اهدا شد. «سردار سیدمعجد موسوی» فرمانده نیروی هوافضای سپاه در بخشی از این دست‌نوشته گفته است: «بی‌تردید شباهت شهادت خانواده شما با خانواده امام شهیدمان نشانه‌ای از رشته‌های مستحکم الهی بین امام و امت در همه صحنه‌هاست و بشارتی است که ارواح طیبه شهیدان در معیت امام دل‌بند خود و ان‌شاءالله همجوار حضرت ابا‌عبدالله الحسین(ع) هستند. تحمل چنین داغی بس عظیم و طاقت‌فرساست، لکن خرسند باشید که عزیزان شما شاهد «عند ربهم یرزقون» هستند.»

عدالت اجتماعی باید اولویت اصلاحات بنزینی باشد

ساحل عباسی

خبرنگار

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: «برای تعیین وضعیت بهتر و انتخاب بهترین سناریوی بنزینی به منظور کاهش پیامدهای منفی آن، دولت باید هماهنگی‌های لازم را با مجلس داشته باشد تا با انتخاب بهترین سناریو عموم مردم ایران در طرح بنزینی منتفع شده یا آسیب کمتری ببینند. به نظر می‌رسد، بهترین گزینه در میان گزینه‌های مطرح ارائه بنزین به هر کد ملی باشد تا همه مردم از عواید این طرح برخوردار شوند.»



دولت می‌شود، بلکه مافیای قاچاق‌چینی که سال‌هاست از این مسیر سودهای بسیار کلان به جیب می‌زنند، از این روند برخوردار و متعمر شده‌اند؛ لذا چاره‌ای نیست جز اینکه به سمتی برویم که طرح بنزین مبتکرانه باشد و عدالت اجتماعی در آن دیده شده و به بهترین شکل ممکن اجرا شود؛ یعنی منافع از اجرای این طرح به عموم مردم یا حداقل بخش قابل توجهی از مردم برسد و دست قاچاق‌چیان و عده‌ای محدود از سفره بنزین و درآمدهای آن کوتاه شود.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «در باره طرح‌های مرتبط با افزایش قیمت بنزین و سهمیه‌بندی بنزین باید گفت دیگر زمانی برای شعارهای پوپولیستی باقی نمانده است؛ چرا که طی سال‌های گذشته شاهد بودیم عده‌ای بدون ارائه راهکار عملی فقط شعار پوپولیستی داده‌اند. بنابراین نباید پوپولیستی رفتار کرد؛ بلکه در حل مسئله نرخ‌گذاری بنزین و حرکت به سمت واقعی کردن نرخ بنزین باید همه واقعیت‌های مرتبط را یک جا دید و با مردم رو راست بود؛ چرا که قطع به یقین افزایش قیمت بنزین موجب افزایش میزان تورم می‌شود.»

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز یادآور شد: «اعمال هر سیاستی در اقتصاد نتایج مثبت و پیامدهایی دارد. بنابراین دولت‌مردان باید سیاستی را انتخاب کنند که متناسب با فضای امروز جامعه و تورمی که گریبانگیر اقتصاد ایران شده است کمترین اثرات منفی را به دنبال داشته باشد. در صورتی می‌توان گفت اقتصاد ما از بحران‌هایی که با افزایش نرخ بنزین رخ می‌دهد می‌تواند به سلامت عبور کند که دولت و مجلس و کلیه ارکان حاکمیت، سیاستی را انتخاب و اجرا کنند که کمترین بار اثر منفی



روی جامعه، به ویژه اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه را داشته باشد. به همین دلیل برای بار چندم روی تأمین و اجرای عدالت اجتماعی در طرح بنزین تأکید می‌کنم و معتقدم مهم‌ترین موضوع در اجرای این طرح موضوع عدالت اجتماعی است.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی معتقد است: «ما در خصوص موضوع بنزین به صورت کلی دو راه حل داریم؛ اول اینکه همین وضعیت فعلی و ناترازی موجود آن هم با توجیه جلوگیری از افزایش نرخ تورم که روی کاغذ شدنی نیست ادامه یابد؛ چرا که ما در حال حاضر واردات قابل توجهی بنا به میزان افزایش میزان مصرف بنزین داریم و عملاً مقدور و ممکن نیست. البته در این میان نباید دیگر مجالی به قاچاق بنزین بدهیم. راه دوم شبیه همان راهبردی است که قرار بود به صورت آزمایشی در شهر کرمان اجرا شود که متوقف شد.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «به نظر می‌رسد تأمین بنزین سهمیه‌بندی تا حد مشخص شده مانعی ندارد؛ اما بعد از آن اگر مصرف بیش از سهمیه باشد، باید هزینه و قیمت آن با نرخ واقعی حساب شود. با توجه به اینکه هزینه تمام شده تولید بنزین بسیار بالاست، بی تردید قیمت بنزین وارداتی باید با نرخ آزاد محاسبه شود؛ از این رو باید نحوه پرداخت نرخ بنزین و سهمیه‌ها مشخص شود، اما وقتی از اجرای سهمیه‌بندی و آزادسازی قیمت بنزین سخن می‌شود، بهتر است نگاه جدی به معنای عدالت اجتماعی در این طرح داشته باشیم.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی یادآور شد: «یکی از گام‌های مثبت

یادداشت

رسانه‌ها و مسئله بنزین!

سید محسن قمصری

کارشناس انرژی

یکی از موضوعاتی که رسانه‌ها باید در مسئله تعیین قیمت بنزین برای مردم به بهترین شکل ممکن تبیین کنند و متأسفانه سال‌ها انجام نشده و رسانه‌ها فقط به یک بعد از مسئله بنزین، یعنی افزایش قیمت و اثرگذاری آن بر میزان تورم توجه داشته‌اند، توجه دادن مردم به قیمت تمام شده بسیار بالایی بنزین برای دولت است. بی‌تردید، رسانه‌ها در این باره باید اطلاع‌رسانی مطلوبی برای جامعه داشته باشند؛ ضمن اینکه مردم را از پیامدهای قاچاق بنزین و زیان‌های مالی آن که بر دولت و به کل کشور وارد می‌شود، آگاه کنند. قاچاق بنزین موجب تعم و پر خورداری کلان مالی عده‌ای می‌شود؛ در حالی که دولت کسری بودجه دارد و پیامدهای آن به شکل تورم در اقتصاد بر معیشت مردم تحمیل می‌شود. با توجه به اینکه میزان تولید و مصرف بنزین در کشور همچوانی ندارد، دولت در تأمین بنزین با قیمت‌های کنونی بسیار دچار چالش است، ضمن اینکه هزینه تمام شده بنزین نیز بسیار بالاست. مردم باید از این موضوع آگاه باشند که قیمت‌های اعلامی به آنها بسیار متفاوت از قیمتی است که برای دولت تمام می‌شود؛ برای نمونه، قیمت حمل بنزین از پالایشگاه تا پمپ بنزین بسیار بالاست و کمترین شباهتی به قیمت بنزینی ندارد که سال‌هاست مردم می‌پردازند. در این وضعیت طبیعتاً دولت در حال پرداخت سوبسید بسیار زیادی است، آن هم در وضعیت موجود اقتصادی که توان لازم برای پرداخت این سوبسید را ندارد. در این موضوع تردیدی وجود ندارد که افزایش قیمت بنزین موجب افزایش میزان تورم می‌شود. بنابراین نمی‌توان با مردم درباره پیامدهای تورمی افزایش قیمت قیمت روراست نبود؛ چرا که امروز بیشتر مردم متوجه وقایع اقتصادی و اثرات سیاست‌های دولت بر قیمت‌ها هستند. به همین دلیل لازم است دولت تهدیدات لازم‌را برای حمایت از معیشت دهک‌های آسیب‌پذیر در نظر داشته باشد.

آنچه در مسئله واقعی کردن قیمت بنزین بسیار حائز اهمیت است، این است که قیمت پایین بنزین سود کلانی به جیب قاچاق‌چیان بنزین واریز می‌کند و مافیای بزرگی برای انتقال بنزین به آن سوی مرزها در کشورهای همسایه تشکیل می‌دهد. رقم‌های روزانه مصرف بنزین که به بیش از ۱۳۰ میلیون لیتر در روز رسیده، نشان می‌دهد بخش بزرگی از بنزین کشور به مصرف قاچاق می‌رسد؛ چرا که این حجم در داخل کشور مصرف نمی‌شود. بنابراین، همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند و بخش‌هایی از حاکمیت را مجبور به افزایش قیمت بنزین کرده‌اند.

بدیهی است که هر تغییر سیاستی می‌تواند موج تورمی و امنیتی و مسائل اعتراض اجتماعی را به دنبال داشته باشد؛ چرا که همواره بر این موضوع تأکید شده است که مسئله بنزین در ایران شبیه شمشیر دولبه‌ای است که یک لبه آن افزایش میزان تورم است. بنابراین، دولت با راهکار درست عدالت محوره‌انه برای حمایت از معیشت مردم و کسانی که خودرویی ندارند، به شکل بهتری می‌تواند پیامدهای طرح افزایش قیمت بنزین را کاهش داده و این طرح را عملیاتی کند.

افزوده

نفرین منابع

«نفرین منابع» به وضعیتی اشاره دارد که کشوری با وجود برخورداری فراوان از نفت، گاز، معدن یا سایر منابع طبیعی، در مسیر رشد پایدار با مشکل مواجه می‌شود. درآمد آسان حاصل از صادرات منابع ممکن است وابستگی اقتصاد به یک یا چند کالای خام را افزایش دهد، تولید داخلی را تضعیف کرده و اقتصاد را در برابر سقوط قیمت‌های جهانی آسیب‌پذیر کند. از سوی دیگر، وفور درآمدهای نفتی ممکن است انگیزه اصلاحات اقتصادی و توسعه صنایع مولد را کاهش دهد. به همین دلیل، منابع طبیعی ذاتاً نفرین نیستند؛ بلکه نحوه مدیریت ثروت طبیعی است که سرنوشت اقتصاد را تعیین می‌کند.



شاخص

زیر تیغ جنگ

به گزارش «فایننشال تایمز»، قطر بودجه ادارات دولتی را تا ۳۰ درصد و کمک‌های مالی خارجی را حدود ۸۵ درصد کاهش داده است؛ زیرا جنگ با ایران خسارات فزاینده‌ای به امور مالی این کشور وارد کرده است. حملات ایران به «راس لفان»، بزرگ‌ترین قطب LNG جهان، ظرفیت صادرات قطر را ۱۷ درصد کاهش داده است، در حالی که اختلال در تنگه هرمز، حمل و نقل انرژی را بیشتر محدود کرده است. بهبود کامل زیرساخت‌های آسیب دیده LNG می‌تواند سه تا پنج سال طول بکشد. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند اقتصاد قطر در سال ۲۰۲۶، ۸/۶ درصد کوچک شود.



منهای نفت

هنر ایرانی

بازار جهانی «نقره» در حال گسترش است، اما متأسفانه سهم ایران از این بازار ناچیز و به مبلغ ۳۲ هزار دلار در سال ۲۰۲۵ است که گویای فاصله‌ای جدی با ظرفیت‌های کشور است. از طرفی کشورهایی، مانند بریتانیا با صادرات ۸/۲ میلیارد دلار ی گوی سبقت را از دیگر کشورها برده‌اند. این در حالی است که این کشور پشتوانه هنر، طراحی و صنایع دستی ایران را ندارد. بنابراین، ایران با ورود جدی به این صنعت می‌تواند از تولید و صادرات زیورآلات نقره، بازارهای جدیدی در منطقه و جهان به دست آورد؛ صنعتی که افزون بر ارزآوری، ظرفیت ایجاد اشتغال برای طراحان، هنرمندان و تولیدکنندگان را دارد.



دیگران

جنگ اقتصادی ترامپ چقدر اثرگذار است؟

برند دبوسمن جونیور

خبرنگار کاخ سفید BBC World

صبح صادق این یادداشت راصرفا جهت اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند/
پس از حدود شش ماه درگیری میان آمریکا و ایران، وضعیت به نقطه‌ای رسیده که نه پیروزی نظامی سریع واشنگتن محقق شده و نه چشم‌انداز روشنی برای یک توافق سیاسی دیده می‌شود. در چنین وضعیتی، «دونالد ترامپ» از آغاز مرحله‌ای جدید با عنوان «Economic D-Day» سخن گفته و تهدید کرده است هر کشوری که با ایران تجارت کند یا امکان دسترسی آن به شبکه‌های مالی، انتقال پول و صادرات نفت را فراهم آورد، با پیامدهای اقتصادی سنگین آمریکا مواجه خواهد شد. سازوکار دقیق این کارزار هنوز اعلام نشده و قرار است وزارت خزانه‌داری آمریکا جزئیات آن را منتشر کند، اما اظهارات مقامات آمریکایی نشان می‌دهد، هدف، گسترش دامنه تحریم‌ها از اقتصاد ایران به کشورهای ثالث و مؤسسه‌های مالی مرتبط با آن است. در حقیقت، این رویکرد ادامه سیاستی است که آمریکا از سال‌ها پیش علیه ایران دنبال کرده است. با این حال، تداوم فشارها و دست نیافتن به اهداف اعلام‌شده، این پرسش را جدی‌تر کرده است که آیا تشدید تحریم‌ها نتیجه‌ای ایجاد خواهد کرد که ابزارهای نظامی و فشارهای قبلی نتوانسته‌اند به آن دست یابند؟ حتی برخی کارشناسان آمریکایی نیز معتقدند، دولت ترامپ هنوز راهبرد روشنی درباره هدف نهایی خود ارائه نکرده و «Economic D-Day» بیش از آنکه راهبرد جدیدی باشد، ابزاری برای خروج از بن‌بست کنونی است. نقطه تفاوت کارزار جدید در تلاش برای افزایش «شعاع انفجار اقتصادی» تحریم‌هاست؛ به این معنا که واشنگتن می‌خواهد کشورهای ثالثی را که همچنان با ایران همکاری می‌کنند، به انتخاب میان ادامه تجارت با تهران یا حفظ دسترسی به نظام مالی و دلار آمریکا وادار کند. چنین رویکردی ممکن است کشورهای ترکیه، عراق و به‌ویژه چین را در معرض فشار قرار دهد. با این حال، میزان موفقیت آن به رفتار همین کشورها وابسته است. در مقابل، تجربه چند دهه تحریم نشان داده است که ایران ظرفیت قابل توجهی برای سازگاری با فشارهای اقتصادی ایجاد کرده است. استفاده از مسیرهای تجاری جایگزین، شبکه‌های غیررسمی، شرکت‌های پوششی و ناوگان موسوم به «کشتی‌های سایه» از جمله روش‌هایی بوده که امکان تداوم بخشی از تجارت را فراهم کرده است. هر بار که مسیر جدیدی مسدود شده، مسیرهای دیگری شکل گرفته‌اند و همین مسئله، اجرای تحریم‌ها را به فرآیندی دائمی و پرهزینه برای واشنگتن تبدیل کرده است. بنابراین، قدرت واقعی «Economic D-Day» نه فقط به شدت تحریم‌های آمریکا، بلکه به میزان هم‌راهی سایر کشورها بستگی دارد. اگر چین و دیگر شرکای اقتصادی ایران حاضر نباشند منافع خود را با سیاست واشنگتن هماهنگ کنند، ایجاد یک فشار اقتصادی فراگیر دشوار خواهد بود. از این منظر، چالش اصلی برای آمریکا همچنان همان مسئله‌ای است که پیش از این نیز وجود داشته است و آن، افزایش فشار اقتصادی بدون داشتن یک راهبرد سیاسی روشن، لزوماً به تغییر نتیجه‌منازعه منجر نمی‌شود.

چرا ترامپ فشار اقتصادی علیه کشورمان را

به نام یک عملیات تاریخی گره زد؟

از نرماندی تا تهران



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

وقتی «دونالد ترامپ» در تازه‌ترین تهدید اقتصادی خود علیه کشورمان از عبارت «Economic D-Day» استفاده کرد، صرفاً یک عنوان جذاب برای یک بسته تحریمی جدید انتخاب نکرد؛ بلکه کوشید یک عملیات اقتصادی را در قالب «روایت جنگی» تعریف کند. او در ۲۰ اوت ۲۰۲۶ از آنچه «شدیدترین عملیات اقتصادی علیه هر کشور» توصیف کرد، سخن گفت و تهدید کرد کشورها و نهادهایی که به زعم واشنگتن به اقتصاد کشورمان «راه تنفس» بدهند، با پیامدهای اقتصادی مواجه خواهند شد. نفت، انتقال پول، صرافی‌ها، ثبت کشتی‌ها، شرکت‌های پوششی و سایر مسیرهای تجارت غیرمستقیم، از جمله حوزه‌هایی هستند که در این کارزار به آنها اشاره شده است.

اما چرا «D-Day»؟ پاسخ را باید در بار تاریخی و معنایی این واژه جست‌وجو کرد. دی دی در ادبیات جنگ جهانی دوم با عملیات «اورلرد» و پیاده‌سازی نیروهای متفقین در سواحل نورماندی تحت سیطره ارتش آلمان در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۴۴ گره خورده است؛ عملیاتی که در آن حدود ۱۶۰ هزار نیروی متفقین از مسیر دریا و هوا وارد شمال فرانسه شدند و با ایجاد سریل در نورماندی، یکی از مهم‌ترین مراحل نبرد در جبهه غربی را رقم زدند. این عملیات یکی از مهم‌ترین عملیات‌های نظامی تاریخ توصیف شده است؛ چرا که با مشارکت گسترده نیروهای دریایی، هوایی و زمینی متفقین انجام شد و در جریان آن هزاران سرباز کشته و زخمی شدند.

بنابراین، وقتی رئیس‌جمهور آمریکا فشار اقتصادی علیه کشورمان را «دی دی اقتصادی» می‌نامد، در واقع تلاش می‌کند معنای مشخصی را به مخاطب منتقل کند و آن، اینکه آنچه در حال آغاز است، یک دور معمولی از تحریم‌ها نیست؛ بلکه قرار است «نقطه عطف» یک نبرد تلقی شود؛ در واقع، دی دی در حافظه تاریخی غرب، حمله‌ای بزرگ، چندلایه، برنامه‌ریزی‌شده و تعیین‌کننده را تداعی می‌کند؛ بنابراین استفاده از این واژه برای اقتصاد، در سطح ارتباطات راهبردی به معنای انتقال ویژگی‌های یک عملیات نظامی به میدان اقتصادی است.

♦ از «Call of Duty» تا کاخ سفید

نکته مهم‌تر آن است که دی دی برای بخشی از نسل جوان ایرانی اصطلاحی ناآشنا نیست! بسیاری از نوجوانان و جوانان علاقه‌مند به بازی‌های رایانه‌ای، از طریق مجموعه‌های پر مخاطبی، مانند «Call of Duty» با صحنه‌های مربوط به فرود نیروهای متفقین در نورماندی، سواحل نبرد و فضای عملیاتی دی دی آشنا شده‌اند. به همین دلیل، این عبارت برای مخاطب جوان پیش از آنکه یک مفهوم تاریخی باشد، یک تصویر ذهنی است: ساحل، عملیات گسترده، نیروهای مهاجم، نقطه آغاز یک نبرد بزرگ و تلاش برای تغییر نتیجه جنگ، به‌ویژه در شرایطی که سواحل جنوب کشورمان نیز به شکل مستمر در معرض تهدید و بمباران قرار دارد!

از منظر ارتباطات راهبردی، این مسئله بسیار مهم است. قدرت یک پیام تنها به معنای لغوی کلمات وابسته نیست؛ بلکه به «تداعی‌های ذهنی» و تجربه رسانه‌ای مخاطب نیز بستگی دارد. انتخاب دی دی یک کد ارتباطی فشرده است که ممکن است در ذهن مخاطبان، از سیاست‌گذاران و تحلیلگران گرفته تا نسل جوان، تصویری مشابه از یک «عملیات سرنوشت‌ساز» ایجاد کند. بنابراین، این نام‌گذاری را باید بخشی از معماری پیام واشنگتن دانست؛ معماری‌ای که هدف آن فقط اعلام فشار اقتصادی نیست، بلکه شکل‌دهی به ادراک مخاطب از شدت، گستره و پیامدهای این فشار است.

ترامپ در پیام خود این روایت را با ادعاهایی درباره وضعیت نظامی و اقتصادی کشورمان تکمیل کرده و مدعی شده است، نیروی دریایی و هوایی کشورمان از بین رفته، کارخانه‌های نظامی آسیب جدی دیده‌اند، ارزش پول ملی فروپاشیده و کشور در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد. از این منظر، «دی دی اقتصادی» حلقه تکمیلی روایتی است که واشنگتن می‌خواهد بر اساس آن، فشار اقتصادی جدید را نه به مثابه یک سیاست مستقل، بلکه به منزله مرحله بعدی یک کارزار گسترده‌تر معرفی کند.

در این چارچوب، هدف واقعی این نام‌گذاری را باید در سه سطح تحلیل کرد. سطح نخست، سطح اقتصادی است، یعنی افزایش هزینه تجارت، محدود کردن درآمدهای ارزی و دشوار کردن دسترسی به شبکه‌های مالی و تجاری بین‌المللی. سطح دوم، سطح سیاسی است، یعنی افزایش فشار برای تغییر محاسبات تصمیم‌گیران کشورمان در موضوعات مورد اختلاف با واشنگتن. سطح سوم، سطح شناختی و ارتباطی است؛ یعنی ایجاد این تصور که فشار جدید، برخلاف دوره‌های قبلی، «مرحله نهایی و تعیین‌کننده» است.

همین سطح سوم اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در جنگ اقتصادی، انتظارات خود بخشی از میدان نبرد هستند. اگر یک دولت بتواند فعالان اقتصادی، شرکت‌های خارجی و حتی افکار عمومی را متقاعد کند که آینده اقتصادی یک کشور با محدودیت‌های شدیدتری مواجه خواهد شد، بخشی از آثار سیاست تحریمی حتی پیش از اجرای کامل آن ظاهر می‌شود. سرمایه‌گذار محتاط‌تر می‌شود، شرکت خارجی ریسک همکاری را بالاتر برآورد می‌کند، بانک‌ها محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند و هزینه مبادله افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، «روایت فشار» پیش از «اثر واقعی فشار» عمل خواهد کرد.

♦ اقتصاد به مثابه میدان نبرد

از این منظر، تهدید جدید واشنگتن را باید بخشی از تحول ژئواکونومی معاصر دانست؛ تحولی که در آن قدرت اقتصادی صرفاً به معنای تولید ناخالص داخلی یا حجم تجارت نیست، بلکه کنترل شبکه‌های مالی، مسیرهای پرداخت، بیمه، حمل‌ونقل، بنادر، شرکت‌های کشتیرانی و دسترسی به ارزهای بین‌المللی نیز به ابزار اعمال قدرت تبدیل شده است. آمریکا تلاش می‌کند از موقعیت خود در شبکه مالی جهانی استفاده کند تا هزینه همکاری اقتصادی با کشورمان را برای بازیگران ثالث افزایش دهد. در واقع، میدان فشار دیگر فقط رابطه تهران و واشنگتن نیست؛ بلکه شبکه‌ای از بانک‌ها، شرکت‌ها، دولت‌ها، واسطه‌ها و مسیرهای تجاری را دربر می‌گیرد.

گزارش‌های مربوط به تهدید واشنگتن علیه کشورهای ثالث نیز همین تغییر رویکرد را تأیید می‌کند.

با این حال، مقایسه فشار اقتصادی با D-Day تاریخی یک تفاوت بنیادین دارد. عملیات نورماندی یک عملیات نظامی با هدف جغرافیایی مشخص، زمان آغاز مشخص و ساختار عملیاتی روشن بود؛ اما اقتصاد یک میدان سیال، شبکه‌ای و انطباق‌پذیر است. بازیگران اقتصادی می‌توانند مسیرهای تجارت را تغییر دهند، بازارهای جدید پیدا کرده و با ایجاد سازوکارهای پرداخت متفاوت، زنجیره‌های تأمین را بازطراحی کنند. از این رو، حتی اگر فشار اقتصادی آمریکا شدیدتر شود، نتیجه آن به صورت خطی و قطعی پیش‌بینی‌پذیر نیست.

تجربه چند دهه تحریم علیه کشورمان نیز نشان داده است که فشار اقتصادی هزینه‌های قابل توجهی ایجاد می‌کند، اما هم‌زمان سازوکارهای سازگاری و تاب‌آوری نیز در طول زمان شکل می‌گیرند. به همین دلیل، یکی از تفاوت‌های مهم کارزار کنونی با نخستین دوره‌های فشار، آن است که واشنگتن اکنون افزون بر هدف قرار دادن مستقیم اقتصاد کشورمان، تلاش می‌کند شبکه‌های غیرمستقیم تجارت و همکاری را نیز محدود کند. گزارش «آسوشیتدپرس» نیز بر همین تغییر تمرکز، به‌ویژه استفاده بیشتر از فشار بر طرف‌های ثالث، تأکید کرده است.

در مقابل، موفقیت چنین راهبردی به واکنش سایر بازیگران نیز وابسته است. اگر شرکای اقتصادی کشورمان حاضر باشند هزینه‌های همکاری با تهران را بپذیرند، ایجاد یک محاصره اقتصادی کامل برای واشنگتن دشوارتر خواهد بود. موضع «چین» در قبال کارزار جدید آمریکا و تأکید یکن بر راه‌حل سیاسی و دیپلماتیک، نمونه‌ای از همین پیچیدگی است. بنابراین، «دی دی اقتصادی» بیش از آنکه صرفاً اقدامی دوجانبه باشد، آزمونی برای میزان نفوذ اقتصادی و سیاسی آمریکا بر شبکه شرکای جهانی آن نیز به شمار می‌آید.

از منظر سیاست‌گذاری داخلی، یکی از مهم‌ترین الزامات در برابر این وضعیت، تفکیک «واقعیت فشار» از «روایت فشار» است. نباید شدت تهدید جدید دست‌کم گرفته شود؛ در عین حال نباید اجازه داد ادبیات واشنگتن به عاملی برای تولید اضطراب و نااطمینانی مضاعف در داخل تبدیل شود. اگر دی دی یکی نشانه ارتباطی برای القای «الحظه سرنوشت‌ساز» است، پاسخ مناسب نیز باید بر مدیریت انتظارات، اطلاع‌رسانی دقیق، جلوگیری از رفتارهای هیجانی اقتصادی و تقویت اعتماد عمومی استوار باشد!

کشورمان همچنین به یک راهبرد «تاب‌آوری ژئواکونومیک» نیاز دارد؛ راهبردی که فراتر از دور زدن موردی تحریم‌ها باشد. تنوع بخشی به شرکای تجاری، تقویت تجارت منطقه‌ای، توسعه سازوکارهای مالی غیروابسته، افزایش عمق زنجیره‌های داخلی تولید، کاهش آسیب‌پذیری



گلوگاه‌های اقتصادی و استفاده فعال‌تر از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای، بخشی از این مسیر است. در چنین وضعیتی، دیپلماسی اقتصادی باید از حاشیه سیاست خارجی به یکی از محورهای اصلی امنیت ملی ارتقا یابد.

از سوی دیگر، نباید از فرصت‌های نهفته در فشار جدید غافل شد. هر چه استفاده از شبکه مالی آمریکا برای محدودسازی تجارت جهانی بیشتر شود، انگیزه برخی قدرت‌ها برای توسعه سازوکارهای مستقل مالی و تجاری نیز افزایش خواهد یافت. کشورمان می‌تواند با سیاست‌گذاری هوشمندانه، به جای آنکه صرفاً در مقام واکنش به تحریم قرار گیرد، از روندهای در حال شکل‌گیری در اقتصاد چندقطبی برای توسعه روابط بلندمدت خود استفاده کند. البته این امر تنها در صورتی ممکن است که روابط اقتصادی با شرکای شرقی و منطقه‌ای از سطح مبادلات مقطعی فراتر رفته و به همکاری‌های پایدار، سرمایه‌گذاری مشترک و پیوندهای واقعی زنجیره تأمین تبدیل شود.

به طور کلی، این تهدید را نباید صرفاً یک عملیات روانی دانست. این عنوان، بیش از هر چیز، یک چارچوب روایی برای معرفی مرحله‌ای جدید از فشار اقتصادی و تلاش برای تغییر محاسبات سیاسی کشورمان است. ترامپ با وام گرفتن از یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای تاریخ جنگ، می‌خواهد به مخاطب بگوید که یک «نقطه عطف» آغاز شده است؛ اما تاریخ نشان می‌دهد که نقطه عطف‌ها صرفاً با نام‌گذاری ساخته نمی‌شوند.

♦ آزمون تاب‌آوری و تدبیر حکمرانی

دی دی سال ۱۹۴۴ حاصل ترکیب گسترده‌ای از برنامه‌ریزی، لجستیک، ائتلاف، برتری عملیاتی و تصمیم‌گیری راهبردی بود و حتی پس از موفقیت اولیه نیز نبرد به پایان نرسید. امروز نیز سرنوشت «دی دی اقتصادی» نه در نسام آن، بلکه در توان واشنگتن برای ایجاد یک ائتلاف اقتصادی مؤثر، در میزان تاب‌آوری کشورمان، در رفتار شرکای تجاری و به نوعی در کیفیت سیاست‌گذاری و دیپلماسی طرفین تعیین خواهد شد.

از این منظر، شاید مهم‌ترین پیام این نام‌گذاری برای تصمیم‌سازان کشورمان آن باشد که نباید وارد بازی تعریف شده از سوی واشنگتن شویم. اگر آمریکا تلاش می‌کند فشار اقتصادی را به یک «نبرد سرنوشت‌ساز» تبدیل کند، پاسخ راهبردی کشورمان باید در تقویت عقلانیت و هوشمندی حکمرانی و تبدیل فشار به محرک بهسازی و نوسازی ساختاری، تنوع‌بخشی اقتصادی، تقویت دیپلماسی و افزایش تاب‌آوری ملی باشد. در چنین وضعیتی، مهم‌تر از آنکه بدانیم این تهدید واقعاً نقطه عطف جنگ اقتصادی خواهد بود یا نه، این است که خود را برای جهانی آماده کنیم که در آن اقتصاد، فناوری، شبکه‌های مالی و روایت‌های رسانه‌ای بیش از گذشته به میدان‌های اصلی رقابت قدرت تبدیل شده‌اند.

«محمدحسین کریمی‌پور»، دبیر اجرایی نمایشگاه «یک تجربه تاریک» در گفت‌وگو با صبح صادق

ورود به تاریکخانه پهلوی با سلاح سند

گروه فرهنگ

صبح صادق

روایت تاریخ معاصر ایران و تبیین مناسبات قدرت در دوران پهلوی، همواره یکی از حوزه‌های حساس و مورد هجومه در جنگ شناختی بوده است. جریان‌های تظہیرکننده پهلوی تلاش می‌کنند با حاشیه‌رانی اسناد دست‌اول، روایتی مجعول و شیک از دوران وابستگی ارائه دهند. در همین راستا، رویداد و نمایشگاه تخصصی «یک تجربه تاریک» با محوریت بررسی ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی سلطه آمریکا و استبداد پهلوی برگزار شد. برای بررسی زوایای تاریخ‌نگارانه و رویکرد پژوهشی این رویداد، با محمدحسین کریمی‌پور، دبیر اجرایی این نمایشگاه گفت‌وگو کردیم.

عنوان «یک تجربه تاریک» بر چه مفهوم تاریخ‌نگارانه‌ای دلالت دارد و چه هدفی را در خوانش تاریخ معاصر دنبال می‌کند؟

عنوان «یک تجربه تاریک» به دوران سلطه هم‌زمان استبداد پهلوی و مداخلات ساختاری آمریکا اشاره مستقیمی دارد. مفهوم اصلی این نام‌گذاری، روشن‌کردن زوایای پنهان و تاریک‌خانه‌های تاریخ معاصر با نور «آگاهی تاریخی» است. ما در این رویداد، تاریخ را مجموعه‌ای از وقایع تصادفی نمی‌دانیم، بلکه آن را برآیند سیاست‌های طراحی‌شده‌ای می‌بینیم که اگر شناسایی و تحلیل نشوند، امکان تکرار مجدد آنها وجود دارد.

این رویداد صرفاً یک نمایشگاه یا کتاب‌فروشی بزرگ نیست؛ بلکه یک «کارگاه بازخوانی تاریخ» و «فرصت مطالعاتی» است. تاریکی دقیقاً از نقطه‌ای آغاز می‌شود که یک ملت حافظه تاریخی خود را از دست بدهد یا اجازه دهد دشمنانش تاریخ او را بنویسند. پیام ما این است که شناخت دقیق و بدون رتوش تاریکی‌های گذشته، تنها مسیر امن برای حرکت به سوی آینده است.

این دوره از نمایشگاه از نظر رویکرد

پژوهشی و تاریخی چه تفاوت عمده‌ای با دوره‌های گذشته دارد؟

در سه دوره نخست، تمرکز اصلی بر عرضه فیزیکی و مجازی کتاب‌های تاریخ معاصر بود؛ اما در این دوره، الگوی کاری خود را به «راهنمای مطالعاتی و پژوهشی» تغییر دادیم. مخاطب امروز نباید فقط خریدار کتاب باشد، بلکه باید روش تحلیل و مطالعه نقادانه تاریخ را بیاموزد. به همین منظور، انتخابی هدفمند از آثار صورت گرفت. از میان حجم انبوه آثار، ۱۱۰ ناشر با حدود ۲۰۰۰ عنوان کتاب تخصصی بر اساس سه لایه فیلتر دقیق وارد نمایشگاه شدند: اعتبار متنی و استناد به اسناد دست‌اول با حذف روایت‌های شنیداری و عامیانه. رویکرد استراتژیک با تمرکز بر کتاب‌هایی که به کالبدشکافی ساختار قدرت و مناسبات سلطه پرداخته‌اند، نه صرفاً توصیف روزمره وقایع. تکمیل پازل تاریخی با جمع‌آوری مجموعه‌آثاری که موازی هم، مقطع حساس ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ را به شکلی جامع پوشش دهند.

در کنار متون مکتوب، اسناد بصری و رسانه‌های غیرکتابی چه نقشی در روند تاریخ‌نگاری این رویداد



داشتند؟

در تاریخ‌نگاری نوین، «متن» به تنهایی ایفاگر نقش نیست. برای شکستن حصر روایت‌های تک‌بعدی، اسناد آرشیوی، عکس‌های تاریخی و آثار هنری را وارد عرصه کردیم. اسناد آرشیوی به مخاطب نشان می‌دهند چگونه وابستگی و سلطه در قالب برگه‌های رسمی امضا می‌شد؛ عکس‌ها تناقض فاحش میان چهره ادکلن‌زده و رسمی حکومت پهلوی با واقعیت‌های تلخ اجتماعی را عیان می‌کنند. این اسناد حکم «شاهد عینی» را دارند و برای نسل جوان، پیوند حسی و عمیقی با حقیقت تاریخی می‌سازند.

نشست‌های تخصصی برگزارشده در نمایشگاه بر چه محوری تمرکز داشتند؟

۹ نشست تخصصی با حضور استادان و پژوهشگران برجسته تاریخ معاصر برگزار شد. محور اصلی این نشست‌ها «کالبدشکافی سلطه سیاسی، امنیتی و نظامی آمریکا در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷» بود. موضوعاتی نظیر تحلیل ابعاد کودتای ۲۸ مرداد، بازخوانی کارکرد سازمان‌های امنیتی، مانند ساواک و سیا، و بررسی نفوذ اقتصادی پهلوی به بحث گذاشته شد. هدف این بود که نشان دهیم سلطه

چگونه از یک نفوذ نظامی و امنیتی آغاز شد و تا تمام شریان‌های فرهنگی و اقتصادی ریشه دواند.

امروزه با موجی از «بازنویسی و تحریف تاریخ پهلوی» مواجه هستیم. راهکار این رویداد برای مقابله با این جریان چیست؟

بازنویسی تحریف‌آمیز تاریخ، ابزاری سیاسی برای تظہیر پهلوی و ساختن یک «سرمایه دروغین» برای حال و آینده است. مقابله با این جریان صهیونیستی-رسانه‌ای، یعنی دفاع از «حقیقت و حافظه ملی».

راهکار ما در این نمایشگاه، تقابل سند با ادعا بود. ما متون تحریف‌شده را در کنار اسناد متقن قرار داده و حاشیه و شایعه را با برهان و سند پاسخ دادیم. از طریق نشست‌ها به مخاطب آموزش دادیم که چگونه روش‌شناسی مطالعه تاریخ را در پیش بگیرد تا فریب ساختاربافی‌های دروغین رسانه‌ای را نخورد.

براساس استقبال صورت‌گرفته، چه برنامه‌ای برای ماندگاری این دستاوردهای پژوهشی در دست اجرا دارید؟

هدف ما این است که این رویداد با جمع‌آوری ساختار فیزیکی نمایشگاه پایان نپذیرد. در گام اول، در حال تدوین «نقشه راه مطالعاتی» هستیم؛ فهرستی نظام‌مند از کتاب‌های ضروری و سند‌محور برای فهم تاریخ معاصر که به مراکز پژوهشی و فرهنگی ارائه می‌شود.

در گام دوم، محتوای تحلیلی ۹ نشست تخصصی پیاده‌سازی، تدوین و در قالب کتاب و محتوای دیجیتال در دسترس عموم قرار می‌گیرد. همچنین با همکاری شبکه چهار سیما، این نشست‌ها ضبط و به روی آنتن رفت تا جریان «آگاهی‌بخشی تاریخی» در سطح ملی استمرار یابد و مانع از گسست نسلی در فهم تاریخ معاصر شود.

برداشت

پشت صحنه پیداد

نخست خسته می‌کند. با این حال، مسئله اصلی نقد سینمایی فیلمی نیست؛ مسئله، تحلیل «جریان‌شناسی سینمای زیرزمینی» و زیست‌بوم مسمومی است که این روزها قصد دارد خود را جایگزین سینمای ملی کند.

از هنر معترض تا بیابانه سفارتی

مفهوم «سینمای زیرزمینی» در تاریخ سینمای جهان همواره یادآور جنبش‌های مستقل، جسورانه و دور از جریان انبوه کالا‌سازی بود که قصد داشتند افق‌های جدیدی از هنر و فرم را کشف کنند؛ اما آنچه امروز در ایران تحت عنوان «فیلم‌های زیرزمینی» یا «اکران‌های قاچاق و اینترنتی» رخ می‌نماید، هیچ نسبیتی با هنر مستقل ندارد. این جریان، حاصل یک مأموریت سیاسی و پروژه‌ای کاملاً هدایت‌شده از سوی نهادهای غربی، بنیادهای فیلم اروپا و سفارت‌خانه‌های خارجی است.

روال کار ساده، اما فاسد است: کارگردان و عوامل با دور زدن قانون و زیر پا گذاشتن ضوابط ملی، ملغمه‌ای از تصویربرداری‌های شتاب‌زده، سیاه و بی‌کیفیت را سر هم می‌کنند؛ سپس با متصل شدن به شبکه مالی و جشنواره‌ای غرب، پول و اعتبار جشنواره‌ای دریافت می‌کنند و در نهایت اثری عرضه می‌شود که خریدار آن نه مخاطب عام

ایرانی، بلکه هیئت داوران جشنواره‌های غربی و گزارشگران حقوق بشری سازمان‌های متخاصم هستند

هدف؛ زیست‌بوم اخلاقی خانواده ایرانی

سؤال اساسی اینجاست که چرا این فیلم‌ها، با وجود ضعف مفرط فرمی و تکنیکی، تا این حد مورد توجه و پوشش رسانه‌ای قرار می‌گیرند؟ پاسخ را باید در «محتوا و مأموریت ساختارزدا»ی آنها جست‌وجو کرد.

جریان سینمای زیرزمینی که «پیداد» تنها نمونه‌ای کوچک و ناشیانه از آن است، تمرکز خود را دقیقاً روی لبه‌های تیز تخریب فرهنگی گذاشته است: تخریب نهاد خانواده با تمرکز بر خانواده‌های از هم پاشیده و فرزندانی که علیه والدین‌شان طغیان می‌کنند. قباح‌زدایی از خطوط قرمز اخلاقی دیگر محور مشترک همه آثار به اصطلاح زیرزمینی است. استفاده مبتذل از دیالوگ‌های سخیف و صحنه‌های هنجارشکن برای شکستن قبح‌های جامعه‌دینی. سیاه‌نمایی مطلق و ناامیدکننده هم محور محتوایی این گونه آثار است. به تصویر کشیدن جامعه ایران به مثابه یک اجتماع فروپاشیده که هیچ نقطه روشن و انسانی در آن یافت نمی‌شود، از کارویژه‌های چنین فیلم‌هایی است.

این فیلم‌ها نه برای حل مسئله‌ای ساخته می‌شوند و نه حتی دغدغه اصلاح آسیب‌های اجتماعی را دارند؛ هدف آنها تنزل زیست‌بوم اخلاقی ایران به یک ابتذال ره‌اشده و پاشیدن بذر یأس و انزجار در روح جامعه است.

ژست مظلومیت؛ ویرترین تحریف حقایق

نکته تأمل‌برانگیز در سلوک سازندگان این قبیل فیلم‌ها، استفاده از «ژست مظلومیت» است. وقتی اثری مانند «پیداد» به دلیل ناتوانی‌های آشکارش در ساختار، حتی امکان جلب توجه چند ده بیننده منطقی را ندارد، به سر و صدای رسانه‌ای متوسل می‌شود. سازندگان با مانور دادن روی جملاتی، نظیر «فیلمی که توقیف شد»، «اثر زیرزمینی بدون سانسور» یا «روایت حقیقتِ مکتوم»، تلاش می‌کنند ضعف ساختاری و هنری خود را پشت نقاب قانون‌گریزی و مخالفت سیاسی پنهان کنند. رویدادهایی، چون انتشار اینترنتی «پیداد»، بیش از آنکه هشدار برای حوزه سینما باشد، زنگ خطری برای امنیت فرهنگی کشور است. وقتی سینما به ابزاری برای جنگ شناختی تبدیل می‌شود و سیاست‌گذار بیرونی تعیین می‌کند که چه روایتی از ایران به تصویر کشیده شود، دیگر نمی‌توان با ساده‌انگاری با آن برخورد کرد.

۷

فرهنگ

شماره ۱۲۵۰ | دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵

صبح صادق

یادداشت

پیشنهادی برای تحول

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



دنیای امروز، جهان امواج شتابان، انقلاب‌های پی‌درپی دیجیتال و زیست‌بوم‌های نوپدید رسانه‌ای است. در چنین فراز گریزناپذیری از تاریخ، سخن گفتن از «حکمرانی فرهنگی» نه یک انتخاب ارشادی، بلکه ضرورتی حیاتی برای حفظ هویت، استقلال و سلامت فرهنگی جامعه است. همچنان که نظام جمهوری اسلامی ایران در ذات و اهداف بنیادین خود، نظامی حق‌طلب و منادی رستگاری، رهایی از ظلم، شر و بی‌عدالتی است، این رویکرد باید به طریق اولی در عرصه فرهنگ، رسانه و نت و شبکه‌های اجتماعی نیز تجلی یابد؛ چرا که حمایت از حق و عدالت در دنیای مجازی و رسانه‌ای، اصلی انکارناپذیر است. از همین‌رو، در ساختار معارفی و اندیشه‌ای نظام اسلامی، چیزی به نام سانسور-به معنای اعمال سلايق شخصی، حزبی یا رفتارهای ملوک‌الطوایفی در تولید و عرضه آثار- جایی نداشته، ندارد و نباید داشته باشد؛ آنچه جامعه امروز به آن نیازمند است، استانداردسازی عادلانه بر پایه حقوق معنوی مخاطب است. با توجه به گسترده‌تر شدن جنگ شناختی و هجوم به ساختار فرهنگی کشور بیش از هر زمان دیگری به تدوین و اجرای «سند حقوق معنوی مخاطب» نیاز داریم؛ سندی جامع که بتواند محور اصلی حکمرانی فرهنگی قرار گیرد. ارزش حیاتی این سند در یک تغییر پارادایم اساسی نهفته است؛ ورود مستقیم و مشارکت دادن همه‌جانبه ملت به چرخه حکمرانی فرهنگی. در مدل‌های کهنه، همواره دولت یا نهادهای نظارتی در خط مقدم تنظیم‌گری قرار می‌گرفتند؛ روندی که غالباً مظلوم‌نمایی جریان‌های مسئله‌دار، ژست‌های اپوزیسیونی و اتهام سانسورچی‌گری را برای کاسبان ابتذال به همراه داشت، اما در نظام حکمرانی نوین، این ملت- یعنی مخاطبان آگاه و فهیم محصولات فرهنگی- هستند که در برابر آثاری که به حقوق معنوی، اخلاقی و روانی آنها تجاوز می‌کنند، می‌ایستند. وقتی صیانت از مرزهای فرهنگی به خود مردم و نهادهای برخاسته از بطن جامعه واگذار شود، بساط بازی‌های ناشیانه و مسمومی، مثل «سینمای زیرزمینی» نیز برای همیشه جمع خواهد شد. این روزها شاهدیم آثاری ضعیف، بی‌هویت و سفارشی با اهداف تاریک سیاسی، ایدئولوژی‌های ضدملی و به طمع دل‌آرهای سفارتی و جایزه‌های حقیرانه جشنواره‌های غربی ساخته می‌شوند که اتفاقاً پیش و بیش از آنکه هنجارهای حاکمیتی را نشانه‌روند، حقوق فرهنگی و معنوی جامعه را زیر پا می‌گذارند و روح و روان خانواده ایرانی را زخمی می‌کنند. اگر سازوکار قانونی دفاع از حقوق معنوی فراهم شود، مردم به عنوان مدعی‌العموم واقعی این حق را خواهند داشت که علیه متجاوزان به حریم اخلاقی جامعه به دادگاه‌های تخصصی فرهنگی شکایت کنند و جلوی چرخه توزیع آثار مسموم را بگیرند؛ ساختاری که در آن مخاطب فعالانه از زیست‌بوم معنوی خود دفاع می‌کند. تغییر ریل از ممیزی اداری به استانداردسازی متکی بر حقوق مخاطب، مسیر فرادست و امروز وقت آن رسیده که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران فرهنگی با شجاعت و تدبیر، از انفعال دست کشیده و بستر حضور آگاهانه مردم را در نظارت فرهنگی فراهم کنند.

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیر مسئول:یدالله جوانی
سردبیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:
سیامک باقری،سعدالله زارعی،
عزیز غضنفری، مهدی سعیدی،فتح الله پیرشان،
علی قاسمی، حسین عبداللہی،فر،رضاصارمی،راد
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ:سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه:۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰۷۷۴۶ (۰۲۱)
basirat.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۰۲۳۰۰۹۹۰۰۳۰

شماره ۱۲۵۰ | دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵

آیه

بیان امام صادق (ع) درباره قرآن

سید مرتضی ر ضایی

کارشناس مذهبی

قرآن کریم «تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» است؛ یعنی کتابی که بیانگر و روشنگر هر چیزی است که در مسیر هدایت انسان ضرورت دارد. از همین رو، در نگاه اسلامی قرآن تنها مجموعه‌ای از احکام عبادی یا دستورهای اخلاقی نیست، بلکه سرچشمه‌ای جامع برای شناخت انسان، جهان، زندگی، سعادت و راه رسیدن به کمال است. با این حال، فهم درست مفهوم «همه چیز در قرآن است» نیازمند دقت است؛ زیرا مقصود این نیست که قرآن یک دانشنامه تجربی یا مجموعه‌ای از تمام جزئیات علوم و حوادث جهان باشد، بلکه قرآن کتاب هدایت است. امام صادق(ع) در روایتی، گسترده‌گی معارف قرآن را چنین بیان می‌فرمایند: «خداوند بی همتا و قدرتمند، کتاب خویش را بر شما نازل فرمود و او راستگو و نیکوکار است. در قرآن، خبر شما و خبر آنان که پیش از شما بودند و آنان که پس از شما خواهند آمد، همچنین خبر آسمان و زمین است...» یعنی قرآن افقی بسیار گسترده‌تری از یک کتاب معمولی دارد و انسان می‌تواند برای شناخت حقیقت خویش، تاریخ‌عبرت‌آموز بشر و آینده‌ای که در انتظار اوست، به این کتاب الهی مراجعه کند؛ اما نکته مهم آن است که این معارف باید در پرتو هدف اصلی قرآن، یعنی هدایت انسان فهم شوند. قرآن تاریخ را صرفاً برای گزارش گذشته نقل نمی‌کند؛ بلکه گذشته و آینده را وسیله‌ای برای بیداری، عبرت، انتخاب درست و حرکت انسان به سوی کمال قرار می‌دهد. روایت دیگری از امام صادق(ع) نیز بر همین جامعیت تأکید می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»، حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ إِلَّا بَيَّنَّهُ لِلنَّاسِ»؛ بر اساس این سخن، خداوند در قرآن بیان هر چیزی را فروگذار نکرده و هر آنچه‌بندگان برای زندگی صحیح و رسیدن به مقصد انسانی خود به آن نیاز دارند، برای آنان روشن کرده است. بنابراین، «تبیان کل شیء» را باید در ارتباط با نیازهای حقیقی انسان و رسالت هدایتگری قرآن فهم کرد. اگر مراد این‌س بود که قرآن باید درباره تمام جزئیات علوم طبیعی، پزشکی، مهندسی، اقتصاد، فناوری و همه موضوعات جزئی زندگی به صورت مستقیم سخن گفته باشد، دیگر قرآن یک کتاب هدایت نبود، بلکه باید مجموعه‌ای عظیم از کتاب‌های تخصصی بود. از این منظر، سخن از جامعیت قرآن به‌معنای آن است که اصول و معیارهای لازم برای هدایت انسان در این کتاب وجود دارد.

صبحانه

کلید پیروزی

کلید تحقق یک پیروزی این است که بر موفقیت تمرکز نکنید، بلکه بر اهمیت کارها تمرکز کنید. آن وقت می‌بینید گام‌های کوچک و پیروزی‌های کوچک در مسیر شما معنای بیشتری پیدامی‌کنند.

منبر

همچون پیامبر رحمت (ص)

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین محمدمهدی ماندگاری



در زندگی مان بیفتد. آیا به‌نظر شما این اتفاق افتاده است؟
رحمت فقط مخصوص رحمت للعالمین نیست و ما هم می‌توانیم از این رحمت واسعه صاحب رحمت بشویم؛ یعنی هر کس که ما را ببیند، احساس نشاط و احساس اتصالبه خدا بکند. روایت داریم: «مؤمن کس است که شما با نگاه کردن به او به یاد خدا می‌افتید.» رحمت متاع کمی نیست.

مکتب

حضرت ختمی مرتبت نهایت مقام انسانی

جامعیت آن گواهی داد، چه در عبودیتی که در شب معراج تا «قَابُ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» پیش رفت، چه در صفاتی همچون رفت، رحمت، عدالت، شجاعت، تواضع و چه در مقاماتی که نه چشم زمینی و نه عقل خاکی، توان نظاره بر بلندای آن‌را ندارد، پیامبرمان یگانه‌بی‌منازع هستی است. ختمیت، در این نگاه عرفانی، یعنی در آخرین و بالاترین درجه ترقی انسان در مدارج قرب الهی است.

بر این اساس، ختمی مرتبت بودن رسول خدا(ص) به ما می‌آورد که مقصود نهایی خداوند از آفرینش انسان، چیزی نیست جز تحقق این انسان کامل در عرصه هستی و آن انسان، در عالی‌ترین چهره خود، همان وجود نازنین پیامبر اسلام(ص) است. اگر در عالم تکوین، انسان به عنوان خلیفه خدا برگزیده شد، پس ظهور و بروز کامل این خلافت، تنها در سیمای مبارک آن حضرت رخ نمود؛ زیرا ایشان در بندگی، اطاعت، زهد، عشق، حلم، خشوع و در هر صفتی که انسان را به خداوند متصل می‌کند، در بالاترین قله‌ها ایستاده و هر که پس از ایشان به‌عرصه وجود پا گذارد، تنها مسافری است در وادی عشق ایشان و بهره‌ای از انوار باقیمانده طعم معنوی ایشان. پیامبر اسلام(ص) رحمت‌للعالمین هستند، از آن رو که تجسم عینی رحمت بی‌پایان حق در قالب بشری‌اند. ایشان صراط مستقیم هستند، به دلیل ذات و سیرت و حقیقتی که در جان‌شان نهاده‌شده شد. پس هر گاه نام ختمی مرتبت بر زبان جاری می‌کنیم، باید بدانیم که مشغول ستایش مقامی هستیم که درهای فهم آن، بر این جهان خاکی، بسته است و تنها در آن جهان دیگر، هنگامی که حجاب‌ها از دیدگان ما برگرفته شوند، حقیقت آن را به تماشا خواهیم نشست.

خاتم عاشقان است و در بندگی، خاتم بندگان مخلص. هیچ صفت خوبی را نمی‌توان یافت که در جان و سیره ایشان به اوج خود نرسیده باشد. این همان حقیقتی است که خداوند در وصف ایشان به طور کلی فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ و این خلق عظیم، همه کمالات اخلاقی و روحی را در بر دارد و از آنجا که فعل خداوند بر اساس حکمت و کمال است، پس محال است که چنین جامعیتی برای غیر ایشان در هیچ زمان و مکانی تکرار شود. ما هر چه از کمال و جمال و خوبی و زیبایی در عالم می‌بینیم، پرتو ناچیزی از آن حقیقت محمدی است و هر انسانی که در درجات معنوی پیش می‌رود، در حقیقت دارد به‌سوی همان نقطه آغاز و پایان حرکت می‌کند؛ زیرا ایشان منشأ فیض و مجرای رحمت و معراج همه سالکان است و اگر امروز ما نتوانیم عمق این جایگاه را با عقل کوچک خود درک کنیم، مأثور به ایمان و تسلیم هستیم و در قیامت، آنگاه که حجاب‌ها از دیده‌ها برداشته شود و حقایق باچشمانی دیگر دیده شوند، به‌روشنی درمی‌یابیم که تمام خلقت، برای ایشان و به خاطر ایشان آفریده شده است.

ایشان مظهر کامل آن حقیقتی است که در آیه شریفه، بر فرشتگان پوشیده ماند و تنها خالق یکتا فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ من چیزی می‌دانم که شما از آن خبر ندارید. آن چیز ناشناخته، همان انسان کامل و خلیفه حقیقی خداوند در زمین است و مصداق اعلی و اتم آن انسان، جز رسول اعظم(ص) نیست. به این ترتیب، زمانی که ما از ختمی مرتبت سخن می‌گوییم، در واقع به این حقیقت شهادت می‌دهیم که پیامبر اسلام(ص) در همه شئون انسانی و الهی که تصور می‌شود، به قله بی‌همتایی دست یافته است. چه در اخلاق محمدی که قرآن خود به عظمت و

صادقانه

همه چشم‌ها گریانند مگر...

پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: در روز رستاخیز، همه دیدگان جز سه دیده گریان است: دیده‌ای که در راه خدا بیدار خوابی کشیده، دیده‌ای که از محرمات الهی فرو نهاده شده، و دیده‌ای که از بیم خدا گریسته است.

غیر رسمی

بر قله اخلاق

در سفری که در سال ۱۹۹۷ به ایران آمدم، با امام خامنه‌ای دیدار کرده و گفت‌وگو کردیم. احساس کردم که بواقع، انسانی بزرگ است، چه، از ویژگی‌های انسان بزرگ تواضع است. ایشان به همان اندازه که بزرگ بود، متواضع هم بود.
در آن دیدار در مورد امام علی(ع) و انگیزه‌هایی صحبت کردیم که موجب شده بود در مورد امام علی(ع) کتاب بنویسم. ایشان کتابم را خوانده و بسیار پسندیده بود و من نیز به این خاطر از ایشان تشکر و به ایشان عرض کردم که بحق، نام شما باید امام باشد و ما از شاگردان شما هستیم
آیت الله خامنه‌ای یک انسان متفکر، فرهیخته، دانا، بزرگوار، وارسته و متواضع بود، همان گونه که شایسته یک رهبر است. در مورد ایشان باید بگویم که او پیرو امام خمینی(ره) است و امام خمینی(ره) هم پیرو امام علی(ع) بود. آیت‌الله خامنه‌ای، مردی بزرگ است و اگر این‌گونه نبود، به این مرتبه نمی‌رسید. من می‌دانم هر کس بخواهد شخصیت ایشان را تعریف کند، او را شخصیتی در منتهای انسانیت و بر قله اخلاق و عدالت معرفی خواهد کرد.

جرج جرداق

نویسنده معروف مسیحی

حسن ختام

دل بسته آمدنت هستیم

آقاجان؛ شب و روزمان با یاد تو می‌گذرد، اما جهان بی‌تو شبیه شهری است که سال‌هاست خورشید را گم کرده است. در کوچه‌های این روزگار، میان این همه هیاهو و حیرانی، نام تو پناه دل‌های خسته‌ای است که هنوز چشم به راه گشایش‌هستند.

یا ابن‌الحسن، ما تو را در جمکران جست‌وجو می‌کنیم، در دعاها صدایت می‌زنیم و با «العجل» گفتن، بغض سال‌های فراق را به آسمان می‌سپاریم. چشم بصیرت‌مان شاید توان دیدنت را نداشته باشد، اما دل، هنوز نشانی تو را می‌شناسد.

مهدی جان، جهان بیش از همیشه تشنه عدالت و مهربانی است.

آقاجان، این جهان خسته، هنوز چشم به راه توسست و ما، در میان این همه بی‌خبری، به آمدنت دل بسته‌ایم.

